

**شازده کوچولو**

میزان فروش فیلم و درجه‌ی ارزش‌گذاری مخاطبان نشان داده که حتی در آن هدف‌گذاری هم فیلم به‌رغم فرصت‌های خیلی خوب نمایشی در سالن‌های پیشرفته‌تر، موفق نبوده است.

همشهری آنلاین: میزان فروش فیلم و درجه‌ی ارزش‌گذاری مخاطبان نشان داده که حتی در آن هدف‌گذاری هم فیلم به‌رغم فرصت‌های خیلی خوب نمایشی در سالن‌های پیشرفته‌تر، موفق نبوده است

یکی از ضعیف‌ترین پایان‌های سه‌گانه‌های نوجوانانه در چندساله‌ی اخیر که این‌بار نه‌تنها منتقدان را همراه نکرد بلکه طرفداران پروپاقرص مجموعه را هم به ناله و نفرین واداشت. البته این پایان پایان نیست بلکه آغاز پایان است!

مادر فور (Four)، قدرت را به‌دست می‌گیرد و خروج از دیوارهای محافظ شیکاگو را ممنوع و دادگاهی‌کردن و اعدام نیروهای حاکمیت قبلی را آغاز می‌کند.

تریس که برادرش پیتر را در یک‌قدمی مرگ می‌بیند با کمک فور و تعدادی دیگر از دیوار می‌گذرد اما حقیقتی که در آنجا منتظر اوست می‌تواند سرنوشت همه را تغییر دهد.

به‌سختی می‌توان نکته‌ی واقعا مثبتی در مورد قسمت سوم مجموعه یافت.

البته جلوه‌های ویژه، طراحی‌های لباس و صحنه و جذابیت‌های ظاهری اثر برای مخاطبان بیشتر از دو قسمت اول است اما از سوی دیگر شخصیت‌ها و ماجراها آن‌چنان سطحی و پیش‌بینی‌پذیر هستند که جایی برای آن جلوه‌نمایی‌ها که گویا ظاهرا کارکردی جز افزایش میزان جذابیت‌های فیلم برای افراد بالغ نداشته‌اند باقی نمی‌گذارند.

البته میزان فروش فیلم و درجه‌ی ارزش‌گذاری مخاطبان نشان داده که حتی در آن هدف‌گذاری هم فیلم به‌رغم فرصت‌های خیلی خوب نمایشی در سالن‌های پیشرفته‌تر، موفق نبوده است.

به شخصیت‌ها و روابط بین آنها بنگریم که مثلا قرار بوده در این قسمت با رودرو قرارگرفتن عاطفی و انگیزه‌ای تریس و فور و تفاوت میان افراد خالص (pure) و افراد آسیب‌دیده (damaged) یک درام جدید شکل بگیرد اما عملا به‌غیر از چند دیالوگ خیلی پیش‌پاافتاده چیزی که عمیقا نشانه‌ی بحران باشد نمی‌بینیم و همین ماجرا در مورد دوستی اولیه و تقابل نهایی تریس و دیوید هم تکرار می‌شود.

ماجرا وقتی فاجعه‌بار می‌شود که کل اتفاقات شیکاگو در مقیاس یک بحران جهانی به آزمایشگاهی که مدیر آن می‌تواند هر دقیقه و بدون حداقل محدودیت‌ها هرکاری بکند کاهش پیدا می‌کند.

قطعا ضعف‌های داستان اصلی چون دو قسمت قبلی در اینجا بی‌تأثیر نیست اما نوع اقتباس شدیدا رجزذنی فیلمنامه‌نویسان که به‌جای انتقال پیچیدگی‌ها همه‌ی قوت‌های داستانی را سطحی‌سازی کرده‌اند (مثلا به نوع عملکرد مادر فور و تغییرات 180درجه‌ای در کسری از ثانیه بدون هرگونه مقدمه‌چینی نگاه کنید که حتی در مقایسه با نمونه‌ی جنین [کیت وینسلت] در دو قسمت قبلی همین مجموعه هم فاجعه‌بار است) اثر را کاملا منهدم کرده است.

فقط در بخش حادثه‌ای قصه به چند بخش مثلا مهم‌تر داستان از زاویه‌ی حادثه‌پردازی نگاه کنید. واقعا کسی می‌تواند به همین سادگی سفینه‌ی اختصاصی مدیر را برآید و به همین سادگی آن را به پرواز درآورد و به همین سادگی بر نیروهای متخصص این کار پیروز شود؟

چنین سطحی از حادثه‌پردازی اصلا می‌تواند سطح آدرنالین خون مخاطب را تغییری دهد و اگر نمی‌تواند کارکردش دقیقا چیست؟ در مجموع احساسی که مخاطب از تماشای این فیلم به آن دست می‌یابد این است که همه تلاش داشته‌اند تا زودتر

تمام شود؛

احساس مشابهی که مخاطب هم در سینما آن را تجربه می‌کند! با این حساب چرا باید انتظار داشت سال آینده کسی برای آخرین قسمت این مجموعه به سالن بازگردد؟

آنچه گذشت

مارک آزبورن آمریکایی (پاندای کونگ‌فوکار) در سال 2010 به‌عنوان کارگردان اقتباس انیمیشنی بلند از کتاب شازده‌کوچولو، اثر جاودانه‌ی آنتوان دو سنت اگزوپری فرانسوی انتخاب شد.

او گروهی کوچک از هنرمندان و نویسندگان را در لس‌آنجلس گرد هم آورد تا درباره‌ی داستان هم‌فکری کنند و ایده‌های اولیه‌ی فیلمنامه را بنویسند و سپس به‌همراه خانواده‌اش به پاریس نقل‌مکان کرد تا کار پیش‌تولید فیلم را آغاز کند.

آزبورن گفته است که کتاب شازده‌کوچولو نقش مهمی در زندگی شخصی‌اش ایفا کرده است: «این کتاب برای من و برای هرکس که آن را خوانده، خیلی عزیز است چون واقعا آدم را به روابط بااهمیت و دوستی‌ها در زندگی متصل می‌کند».

در ساخت بخش‌های مربوط به دنیای دختر کوچک داستان (رز)، تکنیک انیمیشن‌سازی کامپیوتری به‌کار گرفته شده است؛ اما برای ساخت بخش‌های مربوط به دنیای توصیفی خلبان، از تکنیک استاپ‌موشن استفاده شده است.

اگرچه کمپانی‌های فرانسوی ساخت فیلم را برعهده داشتند، اما فیلمنامه‌ی شازده‌کوچولو به زبان انگلیسی نوشته شد و بعد هم به این زبان ساخته و سپس نسخه‌ی دوبله‌ی فرانسوی آن هم آماده شد.

در اغلب کشورها نسخه‌ی فرانسوی فیلم به نمایش درآمده است.

ماریون کوتیار در هردو نسخه‌ی انگلیسی و فرانسوی فیلم، صدایشه‌ی نقش دختر کوچک بوده است.

این اولین فیلم انیمیشنی اقتباس‌شده از کتاب شازده‌کوچولو است و موفق‌ترین انیمیشنی است که کشور فرانسه ساخته است؛ شازده‌کوچولو تا چهارم مارس 2016 موفق شد بیش از 88 میلیون دلار در جهان فروش کند

منبع: همشهری 24